info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۶۱۵
سه شنبه ۱۰/ مهر/ ۱۴۰۳
۲۷ / ربیع الاول / ۱۴۴۶
01 / October / 2024

صاحب امتیاز موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۱۵۳۲۸۳۸-۲۱۵۳۲۴۲۴-۲۱۵۳۰۲۰۶ فکس: ۲۱۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

خوانش ۱۴۳

امروز با حافظ

گُلِ مرادِ تو آنگه نقاب بگُشاید
که خدمتش چو نسیمِ سحر توانی کرد
گدایی درِ میخانه طُرفه اکسیریست
گر این عمل بکُنی، خاکِ زر توانی کرد

خوانش

جمال یار نـدارد نقاب و پرده ولی
غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

شیخ بهایی

فال کرج

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۷	۰۶:۰۲	۱۱:۵۶	۱۷:۴۸	۱۸:۰۶

برگه

زندگی کشف خود نیست، ساختن خود است...

جرج برنارد شاو

گزارش روز

چرا سیدحسن نصرالله برای ایران و جهان مهم بود؟

از عصر جمعه و زمانی که مشخص شد سیدحسن نصرالله هدف بمباران سنگین اسرائیل در ضاحیه بیروت بوده و شایعه شهادت او مطرح شد، بسیاری از ایرانیان، با دغدغه پیگیر اخبار مربوط به این حمله بودند تا از سرنوشت رهبر حزب‌الله لبنان آگاه شوند و در ابعادی دیگر، این پیگیری در کشورهای دیگر منطقه نیز وجود دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا؛ از عصر جمعه و زمانی که مشخص شد سیدحسن نصرالله هدف بمباران سنگین اسرائیل در ضاحیه بیروت بوده و شایعه شهادت او مطرح شد، بسیاری از ایرانیان، با دغدغه پیگیر اخبار مربوط به این حمله بودند تا از سرنوشت رهبر حزب‌الله لبنان آگاه شوند و در ابعادی دیگر، این پیگیری در کشورهای دیگر منطقه نیز وجود دارد. اما چرا این روحانی شیعه لبنانی، این میزان برای ایران و جمهوری اسلامی و در سطحی دیگر برای جهان مهم بود؟

اسطوره سید حسن نصرالله

سیزدهم دی‌ماه سال ۱۳۹۸ سردار شهید قاسم سلیمانی که به نوعی فرمانده جبهه مقاومت به شمار می‌رفت، با حمله مستقیم آمریکایی‌ها و دستور شخص ترامپ، ترور شد و ۹ شهریورماه همین امسال نیز «اسماعیل هنیه» دبیرکل حماس در تهران هدف ترور قرار گرفت و به شهادت رسید.

سردار سلیمانی از مدتی پیش از شهادت به عنوان یک فرمانده شجاع، مقتدر، متواضع و متخلق به جامعه نیز شناسانده شد و تشییع باشکوه او در چند شهر ایران، نشانی از این شناخت و ارتباط جامعه با وی بود. شهید اسماعیل هنیه نیز بالاترین مقام حماس بود و در زمانی در تهران به شهادت رسید که هموطنانش بیشترین رنج را دیده و همراهانش بیشترین مجاهدت‌ها انجام‌داده بودند. با این حال جایگاه سیدحسن نصرالله، حتی با این دو شهید سرافراز مقاومت نیز تفاوت داشت و به دلایلی، او به یک اسطوره تبدیل شده بود.

سابقه طولانی و پیروزی‌ها

سید حسن نصرالله از سال ۱۹۹۲ و پس از ترور شهید سید عباس موسوی، دبیرکل قبلی حزب‌الله، رهبر این حزب شد و تاکنون بیش از ۳ دهه این سمت را بر عهده داشته که زمانی طولانی است و از مردم لبنان تا شیعیان و مسلمانان پیگیر رویکرد مقاومت، طی این سالها او را به عنوان یک رهبر و الگوی دینی و مجاهد شناخته و با او زندگی کرده اند. علاوه بر سیادت و روحانیت که از عوامل محبوبیت اوست، نصرالله در طول این سه دهه، بارها طعم پیروزی را نه تنها به مردم لبنان، بلکه به مسلمانان و ملت های عرب که بارها توسط اسرائیل تحقیر شده اند، چشانده است.

علاوه بر عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از مرزهای لبنان در سال ۲۰۰۰ که از پیامدهای تحرکات حزب‌الله بود، پیروزی این حزب در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ که در نهایت با معاوضه دهها اسیر با جنازه چند سرباز اسرائیلی خاتمه یافت، از مقاطعی بود که محبوبیت نصرالله را به شدت بالا برد. در مقاطعی کمتر رهبر شیعی و اسلامی و عربی، محبوبیتی به میزان او داشته است. او از قدرت سخنوری بالایی نیز برخوردار بود و بارها در مقاطع درگیری های داخلی لبنان و حملات اسرائیل، کلام و بیان و منطق، تاثیر مهمی در آرامش و راهبری حامیانش داشت.

نیروی ملی لبنانی محبوب غیرمذهبی‌ها

با وجود ایدئولوژی اسلامی و شیعی، اما حرکت نصرالله و همراهانش در لبنان، کاملا در قامت یک نیروی ملی لبنانی قابل تعریف بوده است. چه بسیار جوانان و دختران مسیحی و سنی و دروزی لبنانی که با مشاهده رشادت نصرالله و یارانش در دفاع از مرزهای لبنان، تصاویر نصرالله را بر سر می‌گرفتند و همنوا با جولیا پطرس، آهنگ احیائی می‌خواندند. بسیاری از این خوانندگان خود را از زیر بار برخی فشارها خلاص سازند.

۳- ترور فرماندهان مقاومت، در حال تبدیل شدن به یک برگ مهم در انتخابات‌های آمریکاست. این موضوع از روز ترور سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس در ۱۳ دی ۱۳۹۸ (۳ ژانویه ۲۰۲۰)، شروع شد. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا که باید در همان سال در انتخابات ریاست جمهوری می‌جنگید، این ترور تلاش کرد یک برگ برنده‌ای برای خود بخرد. این موضوع از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است. این ترورها در میان افکار عمومی آمریکا مهم تلقی شده و یا در حداقلی‌ترین شکل، تنها در میان اقشار خاص و برخی لابی‌های اثرگذار، ارزشمند تلقی می‌شود. مهم آنکه تمام این زنجیره، یا خواست و عمل‌شان خود را در حصاری از امنیت تلقی می‌کنند و تا زمانی که تیمات آن را نچشند، پشیمان نخواهند شد.

۴- گروه‌های پیشین که ترور رهبران‌شان برگ‌های برنده انتخاباتی برای دولت‌های مستقر آمریکا بودند، دارای افکار سلفی بوده و آمریکا برای ضربه به آنها جنگ‌های بزرگی به راه انداخته بود. این افراد دولتی نداشته و عضو آن نیز نبوده‌اند. در مقابل اما سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران بوده و ایومهدی کرد و از جمله در سال ۱۴۰۰ و در بحران اقتصادی لبنان، سه کشتی سوخت از ایران به این کشور آورد.

حامی روز مبادای ایران

حرکت مقاومت اسلامی یا همان گروه حزب الله لبنان که در دهه ۱۳۶۰ توسط مرحوم سید علی اکبر محتشمی پور بنا نهاده شد، بعدها توسط سرداران سپاه پاسداران، ازجمله شهید سلیمانی تقویت و تجهیز شد و کارش از عملیاتهای شهادت طلبانه و زمینی پارتیزانی، به پرتاب کاتیوشا و سپس موشک‌های دوربرد رسید. طبعا این گروه و توان آن، همواره حامی روز مبادای ایران در کنار گوش اسرائیل به شمار می رفت و تماد این اطمینان بخشی برای بسیاری از مردم ایران و مسئولان جمهوری اسلامی، شخص سید حسن نصرالله بود. طی دو دهه گذشته، در مقاطع مختلفی که ایران با تهدیدهای مختلف آمریکا و اسرائیل روبرو می‌شد، یکی از مورد قوت قلب ایرانیان و حامیان جمهوری اسلامی، داشتن دستی قدرتمند در کنار سرزمین‌های تحت سلطه اسرائیل بود که می توانست نوعی بازدارندگی ایجاد کند. طبعاً از همین رو بود که اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم او را به شدت دشمن می‌داشتند و با انتشار اخبار مربوط به ترور او، در فضای مجازی و رسانه ای شیپور شادی نواخته اند.

یکی از دلایل این اقبال جامعه لبنانی، به رغم اختلافات عقیدتی، مشاهده این حقیقت بود که نصرالله و یارانش بر خلاف بسیاری از نیروهای سیاسی مدعی ملی گرایی لبنان، جان خود را سر دست گرفته و برای دفاع از وطنشان می‌جنگیدند.

نصرالله در این مسیر حتی از قربانی کردن فرزندش دریغی نداشت و شهادت سید هادی نصرالله در ۱۸ سالگی، عزتی بالاتر از دیگر رهبران سیاسی لبنانی برایش به ارمغان آورد. رویکرد ملی و دفاع از مرزهای لبنان باعث شد سالها فشار برخی احزاب لبنانی برای خلع سلاح به شکست بینجامد و این حزب با این استدلال که همچنان بخشهایی از لبنان تحت اشغال است، سلاح خود را برای دفاع از وطن حفظ نمود.

سیاستمدار واقع گرا

گرچه برخی نصرالله را به عنوان رهبر یک گروه چریکی شبه نظامی می شناسند، اما او یارانش برای ادامه حیات در جامعه ۷۲ ملت لبنان که چندین مذهب و دین و گروه سیاسی و بعضا تحت حمایت دیگر کشورها در آن فعالند در قامت یک حزب سیاسی فعالیت می کردند. این حزب که همانند تمام احزاب سیاسی در انتخاباتها فعال بود و نماینده به مجلس می فرستاد، در یکی دو دهه اخیر، به وزنه پرقدرت سیاست لبنان تبدیل شد که بدون نظر آن، شکل گیری دولت در لبنان به راحتی ممکن نبود.

اما این عملگرایی و التزام به قواعد و چارچوب کار سیاسی در لبنان، در کنار دیگر توفیقات و ظرافتها، چنان مشروعیتی برای این حزب ایجاد کرد که حتی برجسب علنی ارتباط با جمهوری اسلامی و دریافت سلاح و امکانات از آن هم در سالهای اخیر نتوانست آن را از بین ببرد؛ چرا که حزب الله این ارتباط خود با ایران را نیز دستمایه خدمت به مردم لبنان

اشاره

پای بایدن گیر است

هرچند مسئولان آمریکایی به دروغ ادعا کردهاند از اقدام رژیم بی‌خبر بودهاند اما دستان آنها در پشت قضیه آشکار است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، روز شنبه حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای رسمی، شهادت سیدحسن نصرالله دبیرکل خود را اعلام کرد وی به همراه جمعی از فرماندهان مقاومت در بمباران روز جمعه محله ضاحیه بیروت به شهادت رسید. آنچه در این میان اهمیت بالایی دارد، میزان همگرایی آمریکا با رژیم برای پایان‌بخشیدن به مقاومت است؛ هرچند مسئولان آمریکایی به دروغ ادعا کردهاند از اقدام رژیم بی‌خبر بودهاند اما دستان آنها در پشت قضیه آشکار است. فرضیه پررنگ قصد دموکرات‌ها برای استفاده از این ترور به‌عنوان برگ برنده در انتخابات پیش رو است. پیش از این شهید نصرالله درپاره رویه‌مشترک ترور فرماندهان مقاومت اعلام خطر کرده بود.

در این خصوص نکاتی وجود دارد:

۱- ترور شهید سیدحسن نصرالله در روز جمعه ۶ مهر (۲۷ سپتامبر) در فاصله چهل روز تا برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در تاریخ ۱۵ آبان‌ماه (۵ نوامبر) صورت گرفت؛ هرچند این ترور متاثر از زمان‌بندی دیگری مانند نخستین سالگرد عملیات ۷ اکتبر نیز است. فاصله این ترور تا زمان نخستین سالگرد، ۱۱ روز است. پیوند ۷ اکتبر به‌عنوان خواست نتانیاهو با ۵ نوامبر، به‌عنوان خواست بایدن و دموکرات‌ها، نشان‌دهنده درهم‌تنیدگی افزایش یافته میان تل‌آویو و واشنگتن است. دموکرات‌ها قصد دارند از ترور دبیرکل مقاومت لبنان به‌عنوان برگ برنده‌ای در انتخابات بهره بگیرند.

۲- دموکرات‌ها در داخل آمریکا تحت فشار دو موضوع و یک جناح برجسته قرار دارند. یک موضوع عدم‌موفقیت دولت بایدن در حصول آتش‌بس و موضوع دیگر که در مقابل آتش‌بس قرار داشت به عدم‌موفقیت رژیم در طول جنگ بازمی‌گشت. این دو موضوع در نقاطی با یکدیگر تعارض داشتند اما با توجه به حضور طرفداران هر دو فشار قابل توجهی به کاخ‌سفید وارد می‌کردند. جناح برجسته‌ای که به دموکرات‌ها فشار وارد می‌کرد، لابی‌های صهیونیستی بودند که نسبت به حمایت بایدن از رژیم، ناخرسند بوده و آنها را ناکافی می‌دانستند. اهمیت این لابی‌ها در ساختار سیاسی و همچنین تاثیرشان بر بخش مهمی از افکار عمومی تا آنجاست که یس از ابتدا تاخیر در ارسال برخی بمب‌ها به سرزمین‌های اشغالی توسط دولت بایدن، نتانیاهو با انتشار یک ویدئوی انتقادی اوضاع را برای دموکرات‌ها آشفته کرد. میزان اثرگذاری ویدئوی نتانیاهو و فشاری که در داخل آمریکا علیه کاخ‌سفید ایجاد کرد، عمق نفوذ لابی‌های صهیونیستی را آشکار می‌سازد. دولت دموکرات‌ها با کمک و صدور مجوز به نتانیاهو برای ترور شهید سیدحسن نصرالله، ضمن جلب توجه مجدد لابی صهیونیستی، قادر شدند به ایجاد تصویری از موفقیت رژیم کمک کرده و خود را از زیر بار برخی فشارها خلاص سازند.

۳- ترور فرماندهان مقاومت، در حال تبدیل شدن به یک برگ مهم در انتخابات‌های آمریکاست. این موضوع از روز ترور سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس در ۱۳ دی ۱۳۹۸ (۳ ژانویه ۲۰۲۰)، شروع شد. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا که باید در همان سال در انتخابات ریاست جمهوری می‌جنگید، این ترور تلاش کرد یک برگ برنده‌ای برای خود بخرد. این موضوع از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است. این ترورها در میان افکار عمومی آمریکا مهم تلقی شده و یا در حداقلی‌ترین شکل، تنها در میان اقشار خاص و برخی لابی‌های اثرگذار، ارزشمند تلقی می‌شود. مهم آنکه تمام این زنجیره، یا خواست و عمل‌شان خود را در حصاری از امنیت تلقی می‌کنند و تا زمانی که تیمات آن را نچشند، پشیمان نخواهند شد.

۴- گروه‌های پیشین که ترور رهبران‌شان برگ‌های برنده انتخاباتی برای دولت‌های مستقر آمریکا بودند، دارای افکار سلفی بوده و آمریکا برای ضربه به آنها جنگ‌های بزرگی به راه انداخته بود. این افراد دولتی نداشته و عضو آن نیز نبوده‌اند. در مقابل اما سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران بوده و ایومهدی المهندس نیز نایب‌رئیس حشدالشعبی و رئیس ستاد این نهاد رسمی نظامی عراق بود. دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز دارای حزبی در پارلمان و نمایندگانی در دولت این کشور بود. سرایت دادن ترورها به مسئولان دولت یا شرکای دولتی، نشان‌دهنده عدم پذیرش آنها به‌عنوان دولت و کاهش سطح تعامل با آنها به سطح گروه است. پیامد ادامه این نگاه می‌تواند به جنگ منتهی شود اما در حرکتی معکوس با برخورد با گروه‌های سلفی.

۵- تحولات شکل گرفته بر بستر طوفان الاقصی تنها متوجه به عرصه فلسطین و شامات نیستند؛ بخش مهمی از دلستان به وقایع یمن باز می‌گردد. یمنی‌ها از انحصار غرب در کنترل بر آبراهه‌ها راه چالش کشیده و با اعلام ممنوعیت عبور و مرور کشتی‌های صهیونیستی، عملا به اعمال قدرت پرداخته‌اند. یمنی‌ها دایره اقدام خود را اقیانوس هند، آبهای مقابل سواحل شرق آفریقا، خلیج عدن، تنگه باب‌المندب، دریای سرخ و دریای مدیترانه اعلام کرده‌اند؛ هرچند تاکنون در تمام این مناطق دست به عملیات نزده یا در برخی مناطق دیگر عملیات‌های محدود داشته‌اند. یمنی‌ها در دریای مدیترانه و آب‌های مقابل سواحل شرق آفریقا تاکنون اقدامی انجام ندادهاند. اما تهدیداتی درباره اقدام در این دو منطقه اعلام کرده‌اند. آبهای سواحل شرق آفریقا که به دماغه امید نیک رسیده و یا دور زدن آفریقا به دریای مدیترانه می‌رسد، یک مسیر برای دور زدن راه تنگه باب‌المندب و دریای سرخ است. آمریکا که در بازداشتن یمنی‌ها با وجود حملات مستقیم به این کشور ناتوان بوده است، درصدد انتقام‌گیری در جایی بود که امکان آن فراهم است. سرتیپ «یحیی سریع»، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، عصر گاه جمعه ساعاتی پیش از ترور ضاحیه از حمله با ۲۳ موشک و یک پهپاد به ۳ ناو آمریکایی خبر داده بود؛ اقدامی بسیار بزرگ که خشم واشنگتن را برانگیخت.

۶- رژیم صهیونیستی، پیوند عملیات‌های ترور خود با آمریکا را مدت‌هاست آغاز کرده و نمی‌توان این روند را جدید تلقی کرد در اتفاقات تابستان سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) در ارتباط با سامانل افغانستان و فلسطین این مساله آشکار شد. آمریکا در روز یکشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۱ (۳۱ جولای) ایمن الظواهری، رهبر القاعده را ترور کرد. کشته شدن الظواهری درحالی رقم خورد که گفته می‌شد وی در خانه امن سراج‌الدین حقانی، رئیس شبکه حقانی و وزیر کشور حکومت طالبان در یک محله مسئول‌نشین کابل اقامت داشت. این ترور در آستانه سقوط کابل به دست طالبان در ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ (۱۵ اوت ۲۰۲۲) صورت گرفت تا سرپوشی بر این شکست و فرار آمریکا از افغانستان باشد.

با این حال ادامه داستان توسط صهیونیست‌ها پیگیری شد تا آنها خود را همپرسانه‌ها یا غرب نشان دهند. جهاد اسلامی فلسطین از درون جهاد اسلامی مصر به وجود آمده است. برخی اعضای فلسطینی جهاد اسلامی مصر یا جدا شدن از این تشکل اصلی، جهاد اسلامی فلسطین را ایجاد کردند. پس از آن نیز شاخه مصری وارد اتحاد یا سازمان القاعده شد. نکته اصلی آنجاست که گفته می‌شود در زمان فعالیت مشترک فعالان جهاد اسلامی پیش از شاخه شاخه شدن، الظواهری رهبر گشته شده القاعده نیز در سازمان جهاد اسلامی مصر فعالیت داشته است. تنها یکروز پس از ترور الظواهری، نیروهای رژیم صهیونیستی در شامگاه دوشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۱ (اول اوت ۲۰۲۲) یا یورش به شهر جنین، «شیخ‌سام السعدی» از رهبران جهاد اسلامی را در کراله یافتری بازداشت کردند تا مقدمه‌ای برای اغاز جنگ از سوی جهاد اسلامی باشد. پس از آنکه جهاد اسلامی یا این اقدام آغازگر جنگ نشد، تل‌آویو روز جمعه ۱۴ مرداد (۵ اوت) با ترور تیسیر الجعبری، فرمانده شاخه نظامی جهاد اسلامی در غزه، عملا جنگ را آغاز کرد. این جنگ به مدت سه روز تا یکشنبه ۱۶ مرداد (۷ اوت) به طول انجامید. صهیونیست‌ها با اغاز تحرک علیه سازمان جهاد اسلامی فلسطین، که ریشه‌هایش به سازمان جهاد اسلامی مصر بازمی‌گشت و الظواهری مدتی در آن عضویت داشت، قصد داشتند اقدام خود را شاله به شاله حرکت آمریکا نشان دهند.

برش

جنگ فراگیر؛ خیلی دور خیلی نزدیک

حمله اخیر رژیم صهیونیستی به لبنان، این سوال بزرگ را در ذهن همه ایجاد کرده که آیا این آغاز یک جنگ بسیار بزرگتر است؟ و آیا رژیم صهیونیستی با نداردِ اقتداگیِ که طی حدود ۱۲ ماه گذشته در غزه اجرا کرد اکنون در چبهه لبنان پیاده‌سازی کند؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، ادبیات مقامات سیاسی صهیونیستی چنین فرضی را تاحدتمل نشان نمی‌دهد چنان که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود برای اعلام شروع تجاوز به لبنان با این سخنان آغاز کرد: «ما در آستانه تغییر موازنه قوا در شمال هستیم و روزهای پیچیده‌ای در انتظار ماست».

بر همین اساس در وهله نخست از اعتراف مقامات صهیونیستی آشکار است که اسرائیل موازنه قدرت در برابر حزب‌الله را از دست رفته می‌بیند بنابراین یکی از اهداف کابینه تل‌آویو برقراری مجدد موازنه به نفع رژیم در برابر حزب‌الله است و طبیعتاً چنین هدفی بدون عملیات نظامی که با بتواند از قدرت نظامی حزب‌الله بکاهد یا آن را مجبور به توقف کارزار تهاجمی حمایت از غزه و پذیرش خواسته‌های تل آویو درباره بازگشت نیروهایش به آن سوی مرز آبی و رودخانه لیتانی کند، محقق نخواهد شد از طرفی نیز جنگ غزه به اولین سالگرد خود در حال نزدیک شدن است که طوفانی ترین جنگ تاریخ رژیم در ۷۵ سال گذشته بوده و این در حالی است که ارتش تا این دندان مسلح صهیونیستی علاوه بر ناتوانی در آزاد کردن اسرای صهیونیست -حتی به اذعان و اعتراف فرماندهان نظامی در خلع سلاح و نابودی زیرساخت‌های نظامی حماس نیز توفیق چندانی به دست نیاورده و ارتش بی‌هدف به حملات علیه غیرنظامیان ادامه می‌دهد.

حماس محکم و استوار بر اصول و شروط خود برای پذیرش توافق و تسلیم نشدن در برابر برنامه‌های خطرناک دشمن درباره گنرگاه رفح ایستاده و نقشه‌های نتانیاهو را نقش بر آب کرده است. نتانیاهو می‌داند که اجام توافق بر اساس خواسته حماس یعنی سقوط کابینه و مرگ سیاسی او این وضعیت به طور حتم بار سنگینی بر دوش کابینه تندرو صهیونیستی است که برای یافتن راه نجاتی از بالاتلق غزه دست و پا می‌زند.

ارزیابی نهایی کابینه صهیونیستی آن است که تا وقتی حزب الله به عملیات‌های خود در شمال سرزمین‌های اشغالی ادامه می‌دهد و دست حمایتی آن به غزه دلگرمی می‌دهد رهبر حماس از پذیرش توافق امتناع خواهد کرد. بنابراین هدف اصلی حمله به لبنان پیشبرد سناریوهای مطلوب رژیم برای آینده غزه بدون نگرانی از فشار نظامی مقاومت لبنان است همچنین نباید از یاد برد که موضوع بحران آوارگان صهیونیست به شدت بر دوش کابینه نتانیاهو سنگینی می‌کند و بخش زیادی از شهرکنشینان و احزاب تندرو وزرای وابسته به آن ها همانند اسموتریچ وزیر دارایی و بن گویر وزیر امنیت داخلی خواهان جنگ با حزب الله هستند و البته حزب الله نیز بارها تأکید کرده که بدون توقف جنگ در غزه امکان بازگشت آوارگان صهیونیست به شهرک‌های شمالی وجود ندارد.

در چنین شرایطی، حادثه انفجار پیجرها و هدف قرار دادن فرماندهان نظامی ارشد حزب‌الله طی یک هفته اخیر، با هدف تسهیل شرایط ورود به جنگ می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد زیرا علاوه بر برنامه‌ریزی اسرائیل برای گرفتن بیشترین آمار تلفات از میان سربازان و نیروهای وفادار به مقاومت برای اضمحلال توان عملیاتی حزب الله در همان آغاز ماجرا- هدفی که البته محقق نشد- هدف دیگر از بین بردن دو عنصر حیاتی ارتباطات و فرماندهی بود که برای حفظ انسجام و بقای نیروهای نظامی در ارتش‌های کلاسیک الزامی است.

صحنه متفاوت جنگ غزه با جنگ لبنان

تفاوت فاحش نخست که به حزب‌الله در برابر ارتش صهیونیستی دست برتر داده ویژگی‌های جغرافیایی متمایز جنوب لبنان و غزه است. مرز بین لبنان و اسرائیل حدود ۷۶ کیلومتر از مزارع شبعا در شرق تا رأس ناقوره در غرب است که در امتداد حدود ۳۰ کیلومتر خط ساحلی در جنوب لبنانی قرار دارد. منطقه کوهستانی (جبل عامل)، جنگلی و همراه با دره‌ها (دره بقاع) و رودخا و ناهمواری‌های طبیعی فراوان است که نیروهای مقاومت بر آن اشراف کامل شناسایی دارند و سال ها فرصت داشته‌اند تا دایره تاکتیک‌های جنگی متناسب با این شرایط جغرافیایی، ساخت موانع نظامی و مخفیگاه و تأسیسات غافلگیری دشمن به کسب آمادگی ببر دارند. به طور حتم عملیات هوایی به تنهایی برای کسب پیروزی در جنگ و تخلیه کامل یک منطقه از عناصر نظامی دشمن و تصاحب زمینی یک منطقه عملیاتی کافی نیست و این حیث ارتش صهیونیستی مجبور است برای تحقق اهداف نتانیاهو هم قطارش به صورت زمینی وارد عمل شود و این با توجه به آن چه درباره وضعیت جغرافیایی منطقه جنوب لبنان گفته شد، بهترین فرصت برای حزب‌الله است که بیشترین تلفات وحتی گرفتن اسیر را بر دشمن تحمیل کند. ارتش صهیونیستی در مساحت کوچک ۳۷۰ کیلومتر مربعی غزه تمام قدرت زرهی خود را به کار گرفت تا از تلفات نظامی خود بکاهد و این موجب شد تا در برهه‌ای ارتش به طور رسمی اعلام کند که تلک برای آموزش به تانکیان نیز داده شد. طبیعتاً جغرافیای متفاوت مرزهای جنوبی لبنان چنین امکانی را -حتی در صورت وقوع تمام نوآوری‌های رژیم رژیم از سوی غربی‌ها- در اختیار ارتش برای حفظ جان نظامیان قرار نمی‌دهد! از طرف دیگر حزب الله به سلاح های بسیار پیشرفته‌تر، متنوع‌تر و فراوان‌تر از مقاومت غزه مجهز است؛ از جمله موشک های دقیق و بهپاهای پیشرفته که می توانند تمام نقاط اسرائیل را هدف قرار دهند. برخی منابع زاراحتفه موشکی حزب الله را تا ۱۵۰ هزار برآورد کرده‌اند که گفته می شود در میان آن ها حدود ۱۰۰۰۰ موشک هدایت شونده دوربرد وجود دارد که می تواند در طول و عرض اسرائیل را ویران کند. همچنین در سال ۲۰۲۱، سید حسن نصرالله، رهبر حزب الله گفت که این گروه ۱۰۰ هزار جنگجو دارد در حالی که تاکنون حزب الله تنها بخش بسیار محدود ناچیزی از زرادخانه نظامی خود را علیه اراضی اشغالی به کار گرفته است با این حال تمام سرزمین‌های اشغالی در نگرانی و وضعیت آماده باش کامل قرو رفته و طبیعتاً در مراحل آینده جنگ، مراکز استراتژیک رژیم همانند بنادر و تأسیسات گازی کاریش و مرز هسته ای دیمونا و ... هم می تواند به سیبل اهداف مقاومت تبدیل شود که علاوه بر موج جدید آوارگان داخلی، بحران اقتصادی و مهاجرت معکوس را نیز تسریع کند. مطمئناً معادله رویارویی با حزب‌الله به همین جا نیز ختم نمی‌شود. زیرا محور مقاومت در ذیل استراتژی «وحدت ساحات» و در اتاق عملیات مشترکی که از زمان طوفان الاقصی دایر شده است، در آمادگی برای وضعیت‌های پیچیده‌تر امکان گسترش جنگ به سرمی‌برد. بسیاری از اضلاع مقاومت برای مشارکت در نبرد زمینی با ارتش صهیونیستی آمادگی دارند و ایران نیز هنوز پاسخ ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، را نداده و این در حالی است که مقامات جمهوری اسلامی از قطعی بودن این پاسخ سخن می گویند و طبیعتاً جنگ‌طلبی رژیم در لبنان می‌تواند در تغییر مدل پاسخ ایران از مدل اطلاعاتی -امنیتی به مدل نظامی تأثیر گذار باشد.

دیدگاه

جنگ لبنان پس از رهبر حزب‌الله!

تاکنون بزرگ‌ترین دستاوردی که اسرائیل در جبهه شمالی به دست آورده است، امنیتی و اطلاعاتی در نتیجه رخنه الکترونیک و انسانی، است و فعلا تا تبدیل این دستاوردها به پیروزی نظامی و سیاسی فاصله دارد. هر وقت این ضربات به پایان دادن به حملات حزب‌الله و به تیج آن بازگشت ساکنان شهرک‌ها به شمال اسرائیل و در کل گسست ارتباط آن با جبهه غزه و همچنین بازگرداندن حزب‌الله به شمال رودخانه لیطانی ختم شود، آن وقت می‌توان گفت که تل آویو دستاوردهای خود را نقد و به پیروزی سیاسی و نظامی راهبردی تبدیل کرده است. اما چنان که در غزه هم برآورده نشد، در لبنان نیز محتمل نیست.

بدون شک ترور سیدحسن نصرالله خسران بزرگی چه در بعد میدانی، چه روحی و روانی برای جبهه مقاومت به ویژه ایران است. انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین یاورمند و متحد فکری، سیاسی و میدانی خود در خارج از مرزهای ایران را در حساس‌ترین شرایط منطقه از دست داد.

تروری در این سطح نظر به عواقب آن و اساسا سلسله ترورهای اخیر علیه حزب‌الله پروندا ورود عمیق تر آمریکا در این جنگ است. چنین حمله و تروری بدون مشارکت آمریکا چه در بعد هماهنگی و برنامه‌ریزی و احتمالا مشارکت فعال سیا و پنتاگون در دو حوزه اطلاعاتی و عملیاتی انجام نشده است. کما این که این اتفاق مسبوق به عملیات فریب چند وجهی آمریکا و اسرائیل بوده است؛ از طرح مشکوک آتش بس موقت ۲۱ روزه طی دو روز گذشته و سفر نتانیاهو در این شرایط جنگی به نیویورک گرفته تا تبادل پیام و تحرکاتی برای آغاز مذاکراتی هسته‌ای و غیره.

جنگ لبنان منعکس کننده بازنگری اسرائیل و به روز رسانی مستمر راهبرد خود در قبال حزب‌الله از ۲۰۰۶ و برنامه‌ریزی دقیق از آن زمان است که همچنان مترصد تکمیل حلقه نهایی برنامه خود و فرصت و زمانی مناسب برای این جنگ بوده است. اما این حلقه همان رخنه بزرگ و مکشوف شدن اسرار حزب‌الله از طریق وسایل ارتباطی (شنود) بوده است که چند ماه قبل تکمیل شد. از آن زمان هم لحن اسرائیل در قبال حزب‌الله و جبهه شمالی رفته رفته تغییر کرد.

از این رو، تفاوت این جنگ با جنگ ۲۰۰۶ در این است که در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل کاملا غافلگیر شد و بدون برنامه‌ریزی قبلی پس از اسارت دو نیروی خود جنگ را به راه انداخت؛ اما در جنگ کنونی نه تنها غافلگیر نشده بلکه با برنامه‌ریزی کامل و در اوج آمادگی اطلاعاتی و امنیتی وارد شده است؛ برعکس جنگ غزه که اسرائیل کاملا غافلگیر شد.

اکنون این پرسش پیش می‌آید که سرنوشت حزب‌الله و جنگ لبنان چه خواهد شد؟

اسرائیل این ترور را "نظم‌نوین" و آغاز تغییر در خاورمیانه دانسته است. رهبری حزب‌الله هم در بیانیه امروز خود عهد بسته است که «به جهاد خود در مقابله با دشمن، حمایت از غزه و فلسطین و دفاع از لبنان» ادامه خواهد داد.

ترور این تعداد رهبر و فرمانده ردپه بالای حزب‌الله تاکنون در تاریخ آن سابقه نداشته و متحمل ضربه‌های سنگین و بی‌سابقه شده است و در سخت‌ترین شرایط خود قرار دارد اما در تحلیل پیامد این اتفاق نباید فراموش کرد که حزب‌الله یک تشکیلات و سازمان است و کشور نیست که با ترور رهبران نظام سیاسی حاکم بر آن، این نظام ساقط و نظامی دیگر جایگزین آن شود؛ یا ارتشی رسمی که با حذف فرماندهان ارشد آن شیرازه‌اش از هم بپاشد.

تاکنون بزرگ‌ترین دستاوردی که اسرائیل در جبهه شمالی به دست آورده است، امنیتی و اطلاعاتی در نتیجه رخنه الکترونیک و انسانی، است و فعلا تا تبدیل این دستاوردها به پیروزی نظامی و سیاسی فاصله دارد. هر وقت این ضربات به پایان دادن به حملات حزب‌الله و به تیج آن بازگشت ساکنان شهرک‌ها به شمال اسرائیل و در کل گسست ارتباط آن با جبهه غزه و همچنین بازگرداندن حزب‌الله به شمال رودخانه لیطانی ختم شود، آن وقت می‌توان گفت که تل آویو دستاوردهای خود را نقد و به پیروزی سیاسی و نظامی راهبردی تبدیل کرده است. اما چنان که در غزه هم برآورده نشد، در لبنان نیز محتمل نیست.

پس از این ترور ارتش اسرائیل به سمت غزه‌ای کردن جنوب لبنان و ضاحیه بیروت حرکت و به احتمال زیاد حمله زمینی خود را آغاز کند. اما این حمله در واقع انتقال جنگ به مرحله‌ای است که حزب‌الله در آن ماندن حماس در غزه می‌تواند جنگ لبنان را وارد وضعیتی قفل شده و بن‌بست کند و از طرف مقابل تلفات زیادی بگیرد.

کما این که ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس بر گردانی راهبردی در جنگ غزه برای اسرائیل نداشت. ترور سیدحسن نصرالله نیز با وجود تبعات بیشتر چنین است. اما حزب‌الله در راه سامانه‌دهی وضعیت داخلی بخود یا مجموعه چالش‌های امنیتی مهمی در این شرایط جنگی مواجه است.

کمیت و کیفیت واکنش حزب‌الله به ترور رهبر خود سنجه خوبی برای پیش‌بینی آینده جنگ لبنان پس از سیدحسن نصرالله و هم